

حاشیه‌سازی، متن و حاشیه را در ساختار آن متجلی یافت و از سویی دیگر، آثاری همچون خوشنویسی، نقاشی، تذهیب و تشعیرسازی در متن مرقعات جلوه‌گری می‌کنند (۸: ذیل واژه).

پیدایش و سیر تحول

آنچه مسلم است ساختار مرقع را نسخه‌پردازان ایرانی از انواع چینی آن تقلید کرده‌اند، چه از دیرباز در کشور چین دیوارهایی کوچک و چوبین وجود داشته که همانند مرقع باز و بسته می‌شده است (۶: ۲۰۱). به هر حال مرقع در ایران و بعدها در آسیای صغیر و شبه قاره هند رواج یافت. از نیمه دوم قرن نهم هجری، قطعه‌نویسی در میان خوشنویسان متداول شد. آنان آیات قرآن، احادیث و گزیده‌هایی از اشعار را بر روی قطعه‌هایی مستقل تحریر می‌نمودند. نیز در همین اوان که نقاشان، آثارشان را به شکل

مرقعات ماندگار

مرقعات بسیاری امروزه زینت‌بخش کتابخانه‌ها و موزه‌های ایران و جهان شده است و برخی هم در سیر ایام دستخوش حوادث گشته و نشانی از آنها در دست نیست، که به چند نمونه از این مرقعات ارزشمند و مهم اشاره می‌شود: الف. مرقع منسوب به امیرعلیشیر نوایی که شاید نخستین مرقعی باشد که در سال ۸۹۷ ق. ساخته شده است. عبدالله مروارید «در شرفنامه» خود از آن یاد می‌کند و مقدمه‌اش به قلم خود وی است. ظاهراً امیرعلیشیر نوایی دستور داده بود که از کتابخانه‌ها و اطراف و اکناف، آثار نفیس هنری را جمع و به هم پیوند دهند و مرقعی بسازند. متأسفانه از این مرقع نشانی در دست نیست. ب. مرقع شاه اسماعیل صفوی، که با مقدمه‌ای از شمس‌الدین محمد

مصلياً على النسبى المصطفى المشككين الشرفا

در روز قیامت ارزش مرکب علماء و خون سبقت بهم نمجد شود
و مرکب علماء بر خون سبقت از رحمان داده شود .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مرقعات اسلامی

وصفی درباره هنرمندان همراه و به سال ۹۱۶ ق. تحریر شده است. ج. مرقع محمد مؤمن کرمانی فرزند خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید متوفی ۹۴۸ ق. که از آثار قلمی این هنرمند زبردست بوده و برای شاه تهماسب تهیه شده بود (۳: ۸۴۲-۸۴۵).

د. مرقع بهرام میرزا صفوی، که مقدمه‌ی آن را دوست محمد کوشانی هروی در سال ۹۵۱ ق. تحریر نموده و هم اکنون در کتابخانه خزینه اوقاف توپ قاپوسرای استانبول محفوظ است.

ه. مرقع امیر غیب بیکه امیرشاه تهماسب که سیداحمد آهو چشم، شاگرد میرعلی هروی آن را به سال ۹۷۳ ق. ترتیب داده است. (۳: ۴۹) و. مرقع گلشن. مجموعه‌ای بی‌نظیر از هنرهای نقاشی و خطاطی است که به دستور پادشاهان هردوست سلسله گورکانی هند از جمله «نورالدین محمد ابوالمظفر جهانگیر شاه» با سرپنجه‌ی توانمند هنرمندان ایرانی و هندی

مجزا - خارج از محدوده کتاب - بر روی رقع‌ها و قطعه‌های کاغذ ترسیم می‌کردند، مرقع‌سازی و وصالی این اوراق پراکنده در ایران رواج پیدا کرد. بدین ترتیب که وصلان و صحافان از گردآوری آثار مختلف هنری و به هم پیوسته کردن آنها، کتابی نفیس فراهم و آن را در میان دفتین قرار می‌دادند (۶: ۲۰۰-۲۰۱).

ارزش تاریخی، هنری مرقعات

مرقعات برای اهل فن از منظر تاریخی، فرهنگی، ارزش‌های فراوانی دارند. زیرا بر مبنای بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، می‌توان درباره خاستگاه هنری، سیر تحول و تطور آثار، مکتب‌ها و شیوه‌های هر یک، شناخت هنرمندان و روحیات آنها، ویژگی‌های اجتماعی - سیاسی و اقلیمی ممالک گذشته و مواردی جز آن، اطلاعات مفیدی به دست آورد.

مرقع

رضا خانی پور

کارشناس نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران



وقت و پشتکار به یکدیگر پیوسته و شیرازه بسته و به صورت کتاب یا بیاض تجلید شده‌اند. در واقع ماحصل آن آلبومی است از صفحات به هم پیوسته آثار هنری (۱: ۷-۱۱؛ ۶: ۲۰۰-۲۰۱؛ ۵: ج ۱۲، ص ۱۸۲۷۴).

در این ساختار، رقعها به گونه‌ای متصل می‌گردند که قطعه - رقع - نخست و قطعه پایانی به طبله‌های جلد می‌چسبند و در هنگام گشودن، همه رقعها در یک راستا و صف منظم دیده می‌شوند (۷: ۲۰۰؛ ۴: ۱۵). هنگامی که این رقعها در نور دیده شوند همانند کتابی به نظر می‌رسند (۷: ۷۸۵؛ ۸: ذیل واژه).

مرقع و تلفیق آن با هنرهای دیگر

در ساختن مرقع و آرایه‌های آن، از هنرهای گوناگونی بهره می‌گیرند. از یک سو می‌توان نمونه‌هایی نفیس از هنرهای تجلید، وصالی، قطاعی،

مرقع یا مرقعه، عربی، اسم و صفت مفعولی از ترقیع و جمع آن مرقعات است. رقع - به معنی پاره‌چیزی، تکه، قطعه، مکتوب، نامه -؛ ترقیع، به مفهوم وصله کردن و پینه کردن، آمده است. (۹: ج ۲، ص ۱۶۶۷-۱۶۶۸؛ ۲: ج ۴، ص ۲۴۶۷)

این واژه از منظر عمومی در معانی گوناگونی استفاده شده که اهم آنها عبارتند از: مردکار آزموده، جامه پروصله یا پاره‌پاره‌ی به هم دوخته، خرقه صوفیان که از اتصال قطعات مختلف و گاه رنگارنگ به هم ساخته می‌شد (۵: ج ۱۲، ص ۱۸۲۷۴-۱۸۲۷۵؛ ۱۰: ۲۰۷).

مرقع در اصطلاح و عرف هنرمندان و نسخه‌پردازان، گاه به کاغذ یا هر چیز دیگری که با خط «رقاع» بر آن نوشته باشند، اطلاق می‌شود (۷: ۷۸۵). اما در اصطلاح شهر، به مجموعه‌ای از قطعات هنری خوشنویسان، نقاشان، تصویرگران و مذهبیان گفته می‌شود که به شکل رقع رقع - پاره پاره - با صرف



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴. همو. کتابشناسی کتاب‌های خطی. به کوشش حسین محبوبی اردکانی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۵. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه، ج ۱۲. ذیل «مرقع».
۶. مایل هروی، نجیب. کتاب آرایبی در تمدن اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲.
۷. همو. تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.
۸. مایل هروی، غلامرضا. لغات و اصطلاحات فن کتاب‌سازی تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳. ذیل «مرقع».
۹. معین، محمد. فرهنگ فارسی، ج ۲. ذیل «مرقع».
۱۰. منشی قمی، احمدبن حسین. گلستان هنر. تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.

پانوشت:

در خلال سال‌های ۱۰۱۴-۱۰۳۹ ق. خلق شده است. هنرهای به کار گرفته در این مجموعه شامل تذهیب، تشعیر، ترصیع، تصویر، تحریر و تجلید و خوشنویسی است و از نمونه‌های ممتاز خلاقیت‌های هنری به شمار می‌رود. مرقع گلشن در قرن یازدهم به ایران رسید و در اواخر قرن سیزدهم - دوره ولیعهدی ناصرالدین شاه - در کتابخانه شاهنشاهی ثبت شد. اکنون این مرقع شامل دو بخش است: بخش نخست، با نود ورق و بخش دوم، حاوی چهل و سه ورق که باتوجه به دو رو بودن اوراق آن، این مجموعه با ۲۶۶ قطعه اثر نفیس در مرقع گلشن وجود دارد (۱: ۷-۱۱).

مأخذ:

۱. آتابای، بدری. فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی. تهران: کتابخانه سلطنتی، ۱۳۵۳.
۲. اتابکی، پرویز. فرهنگ جامع کاربردی عربی - فارسی فرزنان: از دیرینه ایام عرب تا نوترین واژگان علم و ادب. تهران: نشر و پژوهش فرزنان روز، ۱۳۸۰، ج ۴. ذیل «مرقع».
۳. بیانی، مهدی. احوال و آثار خوشنویسان، ج ۳ و ۴. تهران: علمی، ۱۳۶۳.